

رویداد های اخیر

در چند ماهه اخیر ناخوشنود و اعتراض به استبداد و حکومت مطلقه ولیسی شاه در میان بخشهایی از طبقه...

اکنون بطور قطع میتوان گفت که حکومت خود کامی پهلوی وارد مرحله بحرانی خود شده است و محمد رضا شاه و اردشیر خیره سواهرگونگ هم که بخوانند...

مؤدوران آمریکائی در ایران

در شمارهی پیشین این نشریه ما نقش مستقیم مأموران و جاسوسان آمریکائی را در ارتش ایران بررسی نمودیم...

مؤسسات و کارشناسان آمریکائی در مؤسسات و مراکز فرهنگی ایران قیامهای مقاصد تبلیغاتی واید تلویزیونی احداث کرده...

برای دفاع از خود و شرکت در مقامات تصمیم گیری و اجرای دولت است، بعنوان یک وسیله فشار و تهدید برای عقب راندن داور ستیزی زوکی شاه که قدرت در...

از سیاست نظامی ایران ؟ انتقادی که معنی واقعی آن اینست که در شاه باید از وابستگی "چگانه" به امریالیسم آمریکا دست برداشته و راه را برای نفوذ...

این اقدامات امریالیستی برگرد می مود ماست، مانعاً به نمونه های از تقس آمریکا و امریکایبهد رکنترل مراکز و مؤسسات فرهنگی و آموزشی و ایران اشاره میکنیم...

بدوران... شاه در بهار اصلاحات ملاقات بسا نمایندگان هیئت انبارد انگشاه مزبور مبلغ هنگفتی به ایند انگشاه هدیه کرد و مقابل انگشاه مزبور نیز انجام این برنامه ها را تقبل نمود؛ الف) ایجاد جایزهی «شهبانوش» برای استاد نمونه سال؛ ب) گسیل استاد براتی در ریس در انگشاه شیراز (ج) قبول دانشجویان تربیت جهت تدریس در انگشاههای ایران.

۶- قرار داد های مشابهی نیز میان انگشاههای ایران و انگشاههای پرینستون، کورنیل، میشیگان، کلمبیا، برینله، کالیفرنیا (لوس آنجلس) و... موجود است. لازم می آید توضیح داد که انگشاه پهلوی شیراز در ابتداء بعنوان هیئت انگشاه ایالتی سیلوینیا ایجاد شد و هم اکنون نیز هیئت امریکائی بنحوان استاد و پروفسور ایند انگشاه بکار مشغولند و البته انگشاه شیراز تشدد انگشاهی نیست که استادان و محققین امریکائی با حقوقهای گراف بکار در آن مشغولند.

در مورد قرار داد های یاد شده تذکره نکند ضروریست. اغلب این قرار داد ها یادت انگشاههای بسته شده که در ارای مرکز تحقیقات امور خارجه میانه اند. این مراکز اساساً زیر نظر «سیا» و سایر مؤسسات جاسوسی امریکا اداره میشوند و کارشان هم بررسی مسائل کشور هائی از قبیل ایران و کلمبیا به حکومتها اوقات حکومت شاه است. بزرگترین مراکز تحقیقات امور خارجه میانه در انگشاههای نوتریدام، کلمبیا، هاروارد، ایندیانا، جان هابز، برنلند، پرنلند، میچاگو، یوتا، کالیفرنیا واقع اند.

اغلب این مراکز ارای ارتباطات با مؤسسات آموزشی و دولتی ایران بوده و برخی نیز خود مستقیماً افرادی در ایران دارند. مثلاً مرکز نوتریدام، در لوس آنجلس در برنامهی «مرکز تحقیقاتی بیند انگشاههای امریکا» که به کارهای تحقیقاتی، کسب اطلاعات و جاسوسی در ایران مشغول است، شرکت دارد. مؤسسه «مسحیت و دوران باستان» در امریکاکه وابسته به رسد فوئلیسیانس «کیمونست» است، کتابخانهی تحقیقات ماسونری نیویورک و نیز مؤسسه بین المللی «دب جهانی» (وولف وینز) که به احتمال زیاد همگی پوششهایی برای عملیات سازمان «سیا» امریکاهستند، بطور مستقیم و غیر مستقیم در ایران فعالیت مینمایند.

۴- بسیاری مؤسسات و ادارات تحقیقاتی، آموزشی و علمی ایران که در رفا هر چه ارتباطی با امریکان دارند، در واقع به طور مستقیم زیر نظر امریکائی هستند:

۱- مرکز اتی و انگشاه تهران در ارتباط رسمی و غیرنظری کمیسیون انرژی امریکا می باشد.

۲- هیئت عالی تحقیقات کشاورزی در ارتباط با مراکز تحقیقات کشاورزی امریکاست. به نیست اشاره شود که یکی از کارکنان عالی مرتبه سفارت امریکانام استیفابند؛ که وابسته به مؤسسید «ولتی» خدمت خارج کشور می آید. است. انزال ۱۳۴۶ و دولت ایران را در زمینه مسائل کشاورزی و از جمله پوزنههای کشاورزی راهنمایی میکند.

۳- انستیتیوی تحقیقات بهداشتی با انگشاه لندن و مؤسسید ملی بهداشت امریکان در ارتباط است.

۴- مؤسسید انرژی خورشیدی ایران با «اوانس بین المللی توسعه» که وابسته به «سیا» امریکاست، در ارای قرار داد غیررسمی است. از طریق این قرار داد متخصصین امریکائی تحت برنامهی ایگه توسط بگ امریکائی بنام کاتینی اداره میشود. برای تخصصی به ایالات متحده برده میشود.

۵- شرکت مستقیم بگ امریکائی بنام جان اوان در اس بگ برنامهی تحقیقاتی در انگشاه آریماهر، یکی از نیا رتین نمونه های حالت و شرکت مستقیم امریکائیها در رفا- لیتویا و علمی تحقیقی ایست. در وقت ایران در رسال جاری بیش از ۱ میلیون دلار (۴۲ میلیون تومان) بابت این برنامهی تحقیقی که زیر نظر این امریکائی برای استفا- در دی مؤسسات امریکائی صورت میگردد و هدفش یافتن راههای استفاده و از انرژی خورشیدی است، بود چسبه تعیین کرد و است. حال آنکه نتایج این تحقیقات هیچ مورد استفاده و اید در ایران نفاذ نداد. به علاوه همین فرد مشاور وزارت نیروی رسمی سفارت نیز می باشد.

۵- مؤسسات فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی امریکاهرساله از طریق مرکز زاری سمنار، کنفرانس و کلاسهای کوتاه مدت در امریکای ایران و بدین و کارشناسان ایرانی را مطابق برنامه و نظام خود تعلیم میدهند و از این طریق نیز در طرحهای برنامه های مختلف شرکت و نظارت میکنند. مثلاً مؤسسید تحقیقات مد بریت عالی امریکاهرساله به همکاری مؤسسید کیهان کنفرانسهای برای آموزش مدبر ایرانی برگزار مینمایند. در کلمبیا این کنفرانسها متخصصین امریکائی که با مخارج گزافی به ایران دعوت شده اند، برای مدیران ایرانی در رس مد بریت مد هند گروههای تبلیغاتی و سیاسی متحد و نیز مرتباً از ایران بازدید و با مقامات ایرانی ملاقات و مذاکره میکنند. مثلاً روزنامهی کیهان اخیراً نوشته که بگ گروه امریکائی تحت عنوان «انجمن هبران جوان سیاسی امریکا» به ایران آمده

و یانامندگان جرابیه و بسیاری مسئولان دولتی جلسه گذاشته است. و هبنا عوئی مشابه دیگر.

۶- بسیاری از مراکز تحقیقاتی امریکان برنامه های امریکائی و جمع آوری اطلاعات خود را از طریق در انگشاههای ایران بپوش میزند. انگشاه لیتویا در ارای برنامه ای است بنام «واحد تحقیقی تهران» که از طریق در انگشاه تهران و دانشجویانی که از او تعینت سالانه مطلع نیستند تحت سرپرستی مسئولان امریکائی و ایادی ایرانیان، در نقاط مختلف ایران بکار آماری و بررسی افکار عمومی مشغولند. جالب اینجاست که حتی فرم های اسلوا- لا تی که در دانشجویان بین مردم بخش میکنند در امریکایا تهیه شده است.

۷- علاوه بر هیئت استاد و متخصص آموزشی و محقق آمریکائی که در مراکز و مؤسسات آموزشی کشورهای مشغولند، بسیاری مؤسسات خصوصی که بنوعی در امور فرهنگی، روزنامه نگاری، آماری و نیز شرکت دارند نیز هیئت کارشناس و متخصص امریکائی را با حقوقهای کلان و برای مشاغل مهم استخدام کرده اند. در مؤسسید کیهان به هیئت امریکائی در مشاغل مختلف کار میکنند که از جمله میتوان به فردی بنام آرت گراهام اشاره کرد که سفیر هنری کیهان بین المللی است.

مؤسساتی که رسماً پولیسید امریکائیها در امریه میباشند

۱- مد ارس امریکائی - در تهران و سایر شهرستانتها در ارس متعدد دی وجود دارند که کلیه یا بعضی اوقات کنان آنها امریکائی هستند. بسیاری از این مد ارس با واقع پوششی برای فعالیت های جاسوسی و خرابکارانه میباشند در ایران میباشند. از جمله در تهران در ۳ مد رسدی بزرگ امریکائی موجود است که کلیه کارکنان سیستم آموزشی و برنامه های تحصیلی آنها امریکائی بوده و دروس همه بنیان انگلیسی تدریس میشوند؛ الف) مد رسدی محلی تهران که بیسی از ۵ امریکائی در آن کار تدریس مشغولند. ج) مد رسدی اهد افش «تربیت و تعلیم» ایرانی است که می خواهند برای تحصیلات در انگشاههای امریکائونند. شادگردن ایرانی که یک کل شادگردن این مد رسد را تشکیل میدهد همه از خانواده های بیوز و وارثوندند ایرانند؛ ب) مد رسدی امریکائی تهران که از مد رسدی فلسفی بزرگتر بوده و پرشادگردترین مد رسدی امریکائیها در تهران است. کارکنان آن از ۱۰ نفر بیشتر است؛ ج) در انگشاه امریکائی تهران در رلیوزان.

د) سایر شهرستانتها، از جمله شیراز، اصفهان و اهواز نیز مد ارس امریکائی موجود است. مثلاً در شیراز شرکت صنایع الکترونیک ایران در بستان و بیروستانسی برای کارکنان امریکائی خود بخرج در ولت ایران بوجود آورده که کلیه معلمان آن امریکائی هستند. علاوه بر اینها مد ارس نیویورک در در ظاهر جزو مد ارس ایرانی حساب میآیند. لاکن در آنهاد روس بطور عمد و بنیان انگلیسی تدریس شده و سیستم آموزشی و کتب درسی امریکائی بوده و بسیاری از کارکنان نیز امریکائی هستند. مهترین مد رسد از این نوع، مد رسدی ایرانی زمین می باشد که متعلق به رباره پهلوی است و شادگردن آن اساساً از فرزندان این طبقات حاکمه و هزار فامیل اند. این مد رسد علاوه بر بستان و بد بیرو- ستان در ایالات کالجی نیز در رشته علوم اداری و کتابخانه- بنده ای است که دانشجویان ایرانی را تحت نظر معلمان امریکائی برای ورود بکارهای مربوط به مد ارس و ارای اقتصادی تعلیم میدهد.

۲- اد ارای اطلاعات امریکا - این اد ارای جزئی از وزارت خارجهی امریکاست و وظیفه رسمی اش شناساندن بهتر امریکایه جهانیان است. اما هدف واقعی این اد ارای بیشتر تبلیغاتی جاسوسی و جمع آوری اطلاعات، تبلیغ بفع امریکائیسم امریکارواج فرهنگ و معنیهای زندگی امریکائی است. در رسال گذشت ۳ نفر ماوران «سیا» و وزارت خارجه در گان کارمند آن سفارت امریکانو در هانفر دیو خارج از سفارت برای این اد ارای کار میگردند. ریاست این اد ارای به عهدی بگ امریکائی است که با همکاری و کشتهای امریکائی بنام «ویوی» می باشد که جزو کارکنان سفارت امریکان در تهران است.

۳- ماوران این اد ارای جاسوسی و اطلاعاتی در ضمن نمایندند وید ولت امریکان رسال لا تی فرهنگی ایران و میگاه نیز میباشند و با مسئولان امور آموزشی ایران در ارتباط مستقیم بوده و در طرح و اجرای بسیاری برنامه های دولت ایران شرکت میکنند. از جمله امریکان با دوستان مد ارای در کتابخانهی آبراهام لینکن واقع در تهران است.

۴- انجمن ایران و امریکاکه مؤسسید تبلیغاتی امریکاکو چیر خوران ایرانی می باشد و کاری بطور عمد و گسترش فرهنگ امریکالیستی در میان جوانان است، مد بریت آن بهمد بهد امریکائی بنام فیلیپو بگ ایرانی نوکرسی بنام حسن طلوی است و هبنا جاسوس و کارمند متخصص امریکائی در آن کار میکنند.

۵- «سیا» صلحش آیفی از سازمانهای است که برای جاب-

سوسان امریکائی در کشورهای عقب افتاده پوشش ملسا سب تهیه میکنند. پنج کارمند سفارت امریکاکه همگی ماوران «سیا» می باشند این برنامه را اداره میکنند و صد هاسیاهی صلحش «مناطق مختلف کشورهای زیر عنوانی قابس و در روغن و جمع آوری اطلاعات و جاسوسی مشغولند. ه- «اوانس بین المللی توسعه» - این سازمان که ارتباط آن با «سیا» بر همدان معلوم است، علاوه بر فعالیت در پلیس ایران و پرورش ماوران پلیس، در امور فرهنگی کشور نیز فعالیت مینماید. از جمله: برنامهی مسائل فرهنگی، کلاسهای آموزشی فنی، گسیل «متخصصین آموزشی» و غیره.

۶- مؤسسید امریکائی پژوهشهای ایرانی - این سازمان در رسال ۱۳۳۵ به منظور تسهیل اقدامات جاسوسی و اطلاعاتی امریکان در ایران تحت پوشش «راهنمای آموزش گران امریکائی» بوجود آمد. ریاست آن بهمد هدی و نفر امریکائی با ساسات، پانگ و ک. ما کیهان میباشند و کلیه کارکنان آن نیز امریکائی هستند.

۷- مؤسسید انجمن ایمی بین المللی افکار عمومی - وابسته به مؤسسید امریکائی کالوید، زیر نظر و مد بریت امریکائیها اد ارای میگرد و بکار امریکائی، بررسی افکار عمومی و جمع آوری اطلاعات در ایران مشغول است.

۸- «مؤسسید تحقیقاتی امریکا» - وابسته به وزارت دفاع امریکاست و بعنوان بخشی از کمیتهی «آر میث - سنگه» که از کمیته های امریکائی حاکم بر ارتش ایران است، فعال- لیت میکند. کار این مؤسسید همانطور که از اسنتم نیز بیاید است، تحقیق و جمع آوری اطلاعات است و علاوه به اوانس اطلاعاتی وزارت دفاع (که مؤسسید ای شیده «سیا» می باشد) نیز مربوط است. در هبنا امریکائی در این مؤسسید کار میکنند.

مؤسسات ایرانی که زیر نظر مستقیم امریکائیها در امریه میباشند

۱- مؤسسید انتشارات فانگین، وابسته به شرکتی به همین نام در نیویورک و زیر نظر سازمان «سیا» می باشد. از بزرگترین ناشرین کتاب در ایران بوده و یکی از مراکز بزرگ هنگی امریکائیسم امریکان در تهران است. مؤسسید و رئیس سابق آن فردی بنام صنعتی، جیره خوار امریکائوستی نیز شریک اشرفی بوده است. رئیس کنونی آن مهاجر، و برخی کارکنان آن بطور قطع ماور «سیا» می باشند.

۲- مؤسسات تحقیقاتی ایرانی که در واقع کارکنان امریکائی با لیس امریکانند:

الف) مؤسسید تحقیقات سیاسی و اقتصاد بین المللی زینظر فردی بنام امیر که جاسوس رسمی «سیا» است و سالها محقق امریکائی بوده اد ارای میشود. این مؤسسید که در رسال ۱۳۳۵ بوجود آمد در واقع شعبه ای ایرانی مشوسه تحقیقات استراتژیک بین المللی است که و- ا بستی آن به «سیا» است. در راههای اشکار است. کلیه کارکنان این تحقیقاتی آن بر اساس برنامه های تدوین شده در امریکا، و پولیسید یک گروه پژوهشگران پرورش یافتهی امریکا (چوبین، آبادیان، وکیل و...) صورت میگرد و مسوولتر بیج، جاسوس ایرانی «سیا» که مقیم ایالات متحده است، با آن همکاری نزدیک دارد. کار این مؤسسید تحقیقات و در باره مسائل ایران و منطقه، ایفای نقش مشاور برای مقامات ایرانی، جاسوسی و کسب اطلاعات میباشند.

ب) مرکز زبانهای و بررسی افکار عمومی «نیپ» واقع در خیابان حافظ بجهت آباد، جزئی از یک شکستگی جهانی تحقیقاتی است که سرش به سازمانهای جاسوسی امریکا وصل است. کار رگردانند ه آن از گروهی جیره خوار امریکائی تشکیل شده که از جمله میتوان ابرج آمین، لیسلی اهی، توش آمین، افشاریان معقد و درخشانی را نام برد. وظیفه اش ظاهر تحقیق و بررسی اقتصادی و فرهنگی در ایران و کشورهای آسیائی، چون هند، پاکستان، ترکیه، تایلند و تایوان است. مؤسسید ملی روانشناسی تهران نیز وابسته به این مرکز است.

ج) مؤسسات تحقیقاتی دیگری نیز در ایران وجود دارند که با مقامات امریکائی در آنها کار میکنند و غیر مستقیم به وسیلهی آنها اد ارای میشود. مانند «مؤسسید برنامه ریزی ایران» «انجمن فلسفی» فلسفه» مد بریت نصر و رتد «نیلوف» خارچی و...

۳- انجمن دوسته امان امریکان در خارج میانه، یکی از سابقه ترین مؤسسات ایرانی وابسته به «سیا» در کشور ماست. کارش ظاهر «مگ» بد دانشجویان طلبان ادامه تحصیل در ایالات متحده و دریافتن انگشاه مناسب است؛ لاکن با شکال مختلف در کار جمع آوری اطلاعات و جاسوسی و خرابکاری شرکت دارند.

اینها گروه هائی از شرکت مستقیم ماوران و کارشناسان امریکائی در امور و مؤسسات فرهنگی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی کشور ماست. در اینجا بد نیست برای کار ملترشدن تصویر خواننده گان از میزان نفوذ و مد ارای امریکائیسم امریکان در ایران، اشاره ای نیز به برنامهی انگلیسی راد یوازان نکیم. سالگذشته و دستگاههای تبلیغاتی

رویدادها می... خود را در اوج قدرت و روی نیازی مالی نید. از آن زمان در آمد های شرفی زیم شاه چند برابرد و استبداد سلطنتی خود را در موضع سلطنتی نهادن شدت کماشکاف های مبارزه ستند به بیاد طبقات ممتاز چنانکه وضاف میان طبقتی، بیوز و ولای می و غیر انحصاری باریم ضد دموکراتیک و دست نشاندهی حاکم نیز و به نظر بنهاد این نظام هر یک گسترش نرود و تشدد بد فشار های اقتصادی و سیاسی در ولت بر اقتصاد بیوز و ولای و غیره، بیوز و ولای، چون عمد و فروشان تجار داخلی، کارخانه در امان متوسط و بعضاً بزرگ، برخی صادرکنندگان کالا و غیره، و نیز باسیاستهای تبعیضی در ولت و بفتح واردکنندگان بزرگ کالا و دلاران کشورهای امریکالیستی و سرمایهی بیوز و ولایت و ولتی، بیشتر شد. کشورهای امریکالیستی که در بحران اضافیه تولید میگردد و در راههای گریز کشورهای استخوان- گنه اند، با تکیه بر رباره پهلوی و شستی در لال و کار چاق کن بزرگ بسوی بازار ایران هجوم آورد و ازمسیاست تبعیضی زیم بهره جسته و این با مانع صاحبان صنایع صرفی و سبک داخلی و برخی مالکان تجار و فروتنند که ناخوشی و مقاومت آنان را برداشخت. ولی امید وای و

«اگتا» بیش از پیش در اورد سستی حاکم به در آمد های نفتی و در لال خود برای انحصارات امریکالیستی از نیایش به همراه داشتن این بیوز و ولای و حساب آوردن منافع آن کاست. حکومت مزور و خود کامفی پهلوی پس از سه سال تحکم موقعیت سیاسی خود در جامعه، تامین جایگاه استواری برای خود در برنامهی امریکالیسم امریکائیرضف (آموزشی نیکسون)، بسط شبکهی پلیس و تقویت ارتش و انکوبندست آوردن در آمد هنگفتی از نفت، در پذیرند این نیایش است بیوز و ولای و اشد و حالیکه بی بیوز و ولای را گاملافتن ناموس کرده بود و سیاستمداران را بد نبال کسب و کار فرستاده یا خانه نشین و مصیور و منتظر کرد انید ه بود. و ارای زیر پای خود تاراند و روحیهی قزاقی خود را گاملافتلی ساخت. قزاقان را در نشان و دی که وی قبل از هر چیز نمایندهی واقعی و مفکران و امیسال در اورد سستی نمود اول - سرمایه و رباره و کارگران خود و شستی در لال و کار چاق کن بزرگ. خاش و بی همه چیز است که بسا هیواد ر بار زدند در اورد و رباره پهلوی کانون سرشته و در ارضی این گروه بدهندگان خاش، عقب مانده و کسب - شستی است. تضاد اینها بد سبجات در بگرفت و

حاکمه از یکسوی او و هبنا ملی بیوز و ولای را از سوی دیگر در آخرین تحلیل به کشاکشهای درون امریکالیستی و تقاضات درونی بگ رژیم خود کامه که در اورد سستی را امکان خود سر میسود جوشی گروه بی در رباره و هبنا بی بگرا کامه میدهد و وارد اول، و نه تضاد اینها رشد سرمایه و ارای ملی و او آزاد ارایان و اد پاشی که این سرمایه در اری میبطلد و مورد دم و مربوط میشود. این تضاد ها خواه ناخواه و زمان به زمان بالا میگردد و در مواقع بحرانی بیهم خوردن تعادل های نسبی اقتصادی جامعه با آشکاری بی ساز میگرد و بطور اجتناب ناپذیری به یک حرکت و جنب و جوشی لیرالی در جامعه دامن میزند، و لنتگی ها و هیوه و جوشی استی که در زمان کارزارهای گذشته و آنرا از «صبر و انتظار» طولانی نشان بد ریج بیرون آورد و

و یشتان را گرم کرد.

بد نیشان خارج از جنبش انقلابی (یعنی جنبش کمونیستی و مبارزهی دموکراتهای خود بیوز و ولای و آوانس) مخالفت لیرالی که از فعالیت مخفی به هر بوده، در رجا و روب معنی از قزاقان خود را محصور کرده و خود - هان اصلاحاتی در نظام سیاسی و حکومتی جامعه اش شکل میگردد. با توجه به ضعف ویراکندهی فعلی جنبش انقلابی، یعنی محافل و گروههای کمونیستی و خود بیوز و ولای و در ولت با جنجال بسیار اعلام نمودند که برای تأمین «استقلال» بیشتر را دی بیوز نیروهای امریکائی (ارتش امریکائی) در تهران تسلط شده است. اما اصل مساله این بود که رژیم سرسریه ی شاه این راد بیوزی بدست تاراند و دیگری بزبان انگلیسی، تحت کنترل امریکائیها برای آنان و البته اینبار سرخ مردم ایران بغافلشدی چند روز بسته شدن راد بیوزی نامبرد و افتتاح نماید. فایدهی بد بیوستن این یکی و بازگردن این یکی، این بود که راد بیوز، اخیر - ظاهر - ایرانی بود و در نتیجه کمالات ببرد انگلیختن تنفر مردم نسبت به حضور امریکائیان در ر خاک ایران میشد. بدین ترتیب از مهره سال گذشته، راد و این برنامی جد بد ایرانیان انگلیسی آغاز نمود. این برنامی بطور کامل توسط ماوران امریکائی و انگلیسی اد ارای، تنظیم و اجرا میشود و حتی گویندگان برنامه نیز همگی امریکائی و انگلیسی و حتی چینیست است معنای تأمین «استقلال» بیشتر بشیوهی محد رضاشاهی!

بد نیشان خارج از جنبش انقلابی (یعنی جنبش کمونیستی و مبارزهی دموکراتهای خود بیوز و ولای و آوانس) مخالفت لیرالی که از فعالیت مخفی به هر بوده، در رجا و روب معنی از قزاقان خود را محصور کرده و خود - هان اصلاحاتی در نظام سیاسی و حکومتی جامعه اش شکل میگردد. با توجه به ضعف ویراکندهی فعلی جنبش انقلابی، یعنی محافل و گروههای کمونیستی و خود بیوز و ولای و در ولت با جنجال بسیار اعلام نمودند که برای تأمین «استقلال» بیشتر را دی بیوز نیروهای امریکائی (ارتش امریکائی) در تهران تسلط شده است. اما اصل مساله این بود که رژیم سرسریه ی شاه این راد بیوزی بدست تاراند و دیگری بزبان انگلیسی، تحت کنترل امریکائیها برای آنان و البته اینبار سرخ مردم ایران بغافلشدی چند روز بسته شدن راد بیوزی نامبرد و افتتاح نماید. فایدهی بد بیوستن این یکی و بازگردن این یکی، این بود که راد بیوز، اخیر - ظاهر - ایرانی بود و در نتیجه کمالات ببرد انگلیختن تنفر مردم نسبت به حضور امریکائیان در ر خاک ایران میشد. بدین ترتیب از مهره سال گذشته، راد و این برنامی جد بد ایرانیان انگلیسی آغاز نمود. این برنامی بطور کامل توسط ماوران امریکائی و انگلیسی اد ارای، تنظیم و اجرا میشود و حتی گویندگان برنامه نیز همگی امریکائی و انگلیسی و حتی چینیست است معنای تأمین «استقلال» بیشتر بشیوهی محد رضاشاهی!

فی انقلابی، این مخالفت لیبرالی بر ارض می تواند اقتدار ناراضی خود و بیوزاری شمیروی را که پشت تا از وضع حاضر ناراضی بود و خواهان نابودی رژیم استند آید. فاشیستی حاکم، رهاش از قبول نو استعماری و استقرار در مکرکراسی و دولت اجتماعی است بسوی خود جلب کند و آنرا به توهمات فرمیستی و راه و رسم مناسبات جویانگی بیوزاری لیبرالی و ملی ایران بالا بداند. این واقعیت جوانگی اکنون در چگونگی سیر حرکت های اعتراضی در بین جامعه ایران میتوان مشاهده کرد. اما آنچه در باره طبقاتی کارگر میتوان گفت اینست که این طبقه که پیش از همه طبقاتی دیگر مردم با امید انطباق مطالبات و مقاومت در برابر اجحافات استوریزگویی های رژیم زد دارد و در وقایع بسسه زد و خیزد های خوبین بایست و ارتش متحد رضاشاهی برخاسته، فعلا به نظاره می ایستد. تحولات سیاسی یاد شد و ناچار شد است، چه اولاً از تشکیلات حزبی لازم برای دست زدن بیک مبارزاتی انقلابی برخوردار نیست؛ ثانیاً تاکنون از سوی این بیوزاری هیچ پشتیبانی نداشتند و بیوزاری ملی شند آید ضد کارگری است و ملاحظه می نمودیم با یک طرز قاطع صاحب مال و مکتب از کارگری کارگرم میزند و از اعتصاب و وحشت در اردی و شبانه تا مقصد تعمیق بازم بیشتر تحران سیاسی جامعه و تشکیل و تجزیه نیروهای خود برای انجام یک مبارزاتی جدی و انقلابی میباشند.

این وظیفه گوییمستهای ایران است که این تحولات سیاسی و مضمون، تعهدات واحد و دیت های این مخالفت لیبرالی، همچنین نفوذ آنرا با لیبرال های براهی برخسی محافل حاکمه از کمکویا جنبش انقلابی از سوی دیگر برای طبقه کارگر توضیح دهند و با بهره گیری از شرایط مسا عدی خود سعی کنند به وحدت و تشکیل رولتاریای ایران و ایفای نقش آن بدین رشد یگد و تعمیق بحران سیاسی جامعه تعیین نمایند و سیر وقایع یاری مبارزه نتایج این طبقه است که می تواند به های ناراضی در هفتان ایران انبوی که با همه فقر و وسعتی که دست بگیرد اند و با همه مفاد و مت ها و مبارزات پراکنده ای که در رساله های اخیر کرده اند برکنار از تحولات سیاسی شهرها مانده اند، و در سطح وسیعی ملزوم یک حرکت سازمان یافته و انقلابی در روح و تا کارگران ایجاد و پویا و اساساً از سوی آنها استفاده نسته باند بهای طبقات حاکمه از نا آگاهی سیاسی، برت افتادگی و پراکندگی در هفتان برای ایجاد توهم درروستا و گنار داشتن آنان از مبارزاتی انقلابی و تبیل روستا بسه صحنه ای مافوق بیخیا مالکان، سرمایه در آن روز دستگاه سلطنتی جلو گرفت.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

کدامی "قانون اساسی" ۲۷ سال پیش که در گنار پاره ای حقوق د مکرکراسی، حق حیات و امتیازاتی نینسری سلطنت بوسیده و قرون وسطایی، اعیان و اشرف مخفور و خاغان قائل شده است، می بندند.

اضافاً کنندگان نامی سرگشته و بارد بگنار شعار عقب ماند و لیبرال- سلطنت طلبانند شاه بایستد سلطنت کند نه حکومت را، که مطلق صدق تا آن روز آخر ۲۸ مرد اردی زینونه بان فرمانده اردو و ازبکسر کردن کار در بار بیوهی جلودر فتند، بدست گرفته می نویسنده "این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی رانسا- گزیده بایند بر مویط بطرز بدت ملوک دست است، بد بیتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه های جنبش حقوق بشر جنبیدی فردی و استند آید در رأی داری نظام شاهنشاهی پیدا کرد است. در حالیکه "نظام شاهنشاهی" خود بر شدت کلی از نهاد اجتماعی حکومت دهنهنگ تا ریخ ایران میباشند که با انقلاب مشروطیت در آرای تعریف قانونی گردید و ... منظورشان اینکه شاه از مسئولیت مبراست و حکومت کاروی استند، نویسنده گان نامی سرگشته در اردی اظهار میکنند که در مکرکراسی نینگ بند شان توأم با سلطنت طلبی است و از انبویا و یس- خصیصه مذموم را زیر عنوان "تکنیک" اصول مشروطیت و "قانون اساسی" مشروطه می پویانند، "قریباً مین گویند که این "آرایش نظام" هجو و تودید می باشد، "شاهنشاهی" و آن "برد اشت کلی" هجو و تودید می در "پهنسی تاریخ ایران" همیشه با طرز بد بیتی تودید میباشند و همراه بوده است و اینکه تودید و شاهنشاهی خود نظیر برجستگی طفلی و استند است.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

هم سلطنت و هم بیوزاری در کنار همس برنده معنای این حکومت در فعل و سنا به تجزیه است گشته مگر کرسک این بیوزاری در مجلس و کابینه ها و مقامات تصمصی گیری همین دستگاه د ولتی ارتجاعی چیز دیگری نیست، ولی اولاً چنین د ولتی که از عوامل ارتجاع پاک شده بود سگناه های اداری، نظامی و بلیسی بوسیده و ضد خلقی اش بر- جیده نگشته ماندند گشته تحمیلی برای تجدید تعوی نیروهای استند آید ای وضی ملی خواهد گشت و ثانیاً بیوزاری ملی چه در صورت شرکت خود در این د ولت و چه در فرض تشکیل د ولتی منحصر آن زمانه گان خود قادر رینماندن یک منافع مکرکراسی کارگران و زمینچکسان نمیشاند و خواهان آن نیز نیست برای مبارزات سیاستی و اجتماعی کارگران و زمینچکسان د پگشهر و ده و تشکیلات یافتن آنان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه محد و بدت قائل خواهد شد و عملاً جلوی آنرا خواهد گرفت.

هم سلطنت و هم بیوزاری در کنار همس برنده معنای این حکومت در فعل و سنا به تجزیه است گشته مگر کرسک این بیوزاری در مجلس و کابینه ها و مقامات تصمصی گیری همین دستگاه د ولتی ارتجاعی چیز دیگری نیست، ولی اولاً چنین د ولتی که از عوامل ارتجاع پاک شده بود سگناه های اداری، نظامی و بلیسی بوسیده و ضد خلقی اش بر- جیده نگشته ماندند گشته تحمیلی برای تجدید تعوی نیروهای استند آید ای وضی ملی خواهد گشت و ثانیاً بیوزاری ملی چه در صورت شرکت خود در این د ولت و چه در فرض تشکیل د ولتی منحصر آن زمانه گان خود قادر رینماندن یک منافع مکرکراسی کارگران و زمینچکسان نمیشاند و خواهان آن نیز نیست برای مبارزات سیاستی و اجتماعی کارگران و زمینچکسان د پگشهر و ده و تشکیلات یافتن آنان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه محد و بدت قائل خواهد شد و عملاً جلوی آنرا خواهد گرفت.

هم سلطنت و هم بیوزاری در کنار همس برنده معنای این حکومت در فعل و سنا به تجزیه است گشته مگر کرسک این بیوزاری در مجلس و کابینه ها و مقامات تصمصی گیری همین دستگاه د ولتی ارتجاعی چیز دیگری نیست، ولی اولاً چنین د ولتی که از عوامل ارتجاع پاک شده بود سگناه های اداری، نظامی و بلیسی بوسیده و ضد خلقی اش بر- جیده نگشته ماندند گشته تحمیلی برای تجدید تعوی نیروهای استند آید ای وضی ملی خواهد گشت و ثانیاً بیوزاری ملی چه در صورت شرکت خود در این د ولت و چه در فرض تشکیل د ولتی منحصر آن زمانه گان خود قادر رینماندن یک منافع مکرکراسی کارگران و زمینچکسان نمیشاند و خواهان آن نیز نیست برای مبارزات سیاستی و اجتماعی کارگران و زمینچکسان د پگشهر و ده و تشکیلات یافتن آنان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه محد و بدت قائل خواهد شد و عملاً جلوی آنرا خواهد گرفت.

هم سلطنت و هم بیوزاری در کنار همس برنده معنای این حکومت در فعل و سنا به تجزیه است گشته مگر کرسک این بیوزاری در مجلس و کابینه ها و مقامات تصمصی گیری همین دستگاه د ولتی ارتجاعی چیز دیگری نیست، ولی اولاً چنین د ولتی که از عوامل ارتجاع پاک شده بود سگناه های اداری، نظامی و بلیسی بوسیده و ضد خلقی اش بر- جیده نگشته ماندند گشته تحمیلی برای تجدید تعوی نیروهای استند آید ای وضی ملی خواهد گشت و ثانیاً بیوزاری ملی چه در صورت شرکت خود در این د ولت و چه در فرض تشکیل د ولتی منحصر آن زمانه گان خود قادر رینماندن یک منافع مکرکراسی کارگران و زمینچکسان نمیشاند و خواهان آن نیز نیست برای مبارزات سیاستی و اجتماعی کارگران و زمینچکسان د پگشهر و ده و تشکیلات یافتن آنان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه محد و بدت قائل خواهد شد و عملاً جلوی آنرا خواهد گرفت.

مبارزه گوییمستهای ایران است که این تحولات سیاسی و مضمون، تعهدات واحد و دیت های این مخالفت لیبرالی، همچنین نفوذ آنرا با لیبرال های براهی برخسی محافل حاکمه از کمکویا جنبش انقلابی از سوی دیگر برای طبقه کارگر توضیح دهند و با بهره گیری از شرایط مسا عدی خود سعی کنند به وحدت و تشکیل رولتاریای ایران و ایفای نقش آن بدین رشد یگد و تعمیق بحران سیاسی جامعه تعیین نمایند و سیر وقایع یاری مبارزه نتایج این طبقه است که می تواند به های ناراضی در هفتان ایران انبوی که با همه فقر و وسعتی که دست بگیرد اند و با همه مفاد و مت ها و مبارزات پراکنده ای که در رساله های اخیر کرده اند برکنار از تحولات سیاسی شهرها مانده اند، و در سطح وسیعی ملزوم یک حرکت سازمان یافته و انقلابی در روح و تا کارگران ایجاد و پویا و اساساً از سوی آنها استفاده نسته باند بهای طبقات حاکمه از نا آگاهی سیاسی، برت افتادگی و پراکندگی در هفتان برای ایجاد توهم درروستا و گنار داشتن آنان از مبارزاتی انقلابی و تبیل روستا بسه صحنه ای مافوق بیخیا مالکان، سرمایه در آن روز دستگاه سلطنتی جلو گرفت.

این یک حقیقت تاریخی است که بیوزاری ملی و لیبرالی ایران و سیاستمداران آن از زمان انقلاب شروع طه تاکنون هیچگاه جمهوریخواه، یعنی در مکرکراسی و قعی نبودند و اند در مکرکراسی اینان همیشه یک پایش بلکه هر دو پایش می لنگید است. آنان از انقلاب مشروطه که بهیست و باقیام تود و های رنجبرویی چیز شهرها ضربات محکم بر دستگاه خود کاشی کوید تنها ضعیف های آنها، که در واقع ضعف خود بیوزاری بود به ارت بزده اند: این ضعف که انقلاب مشروطه با بی برچیدن نظام بوسیدی بی سلطنتی و محو پابه های اجتمد عی آن در مناسبات عقب ماندی و پرستی نرفت بلکه تنها "حقوق" آنرا محدود کرد و با اصطلاح نویسنده گان نامی سرگشته و آنرا در ای تعریف قانونی "ساخت نویسنده گان نامی سرگشته" این استخوان را بریدم که پاسخ ندادند. اند که اگر آنان هواد استقراری بودند که مکتبی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشند، پس شاه و نظام شاهنشاهی غیر منتخب از طرف ملت در این میان د بگرچه کاره اند، "تخمس یا شاه که در مکتب هیچکس نیست و از مسئولیت هم بی سر است، یعنی اند می غیر مسئول و زیاد است، با جامعه ای که همدی اهالتی طبق قانون مسئولیتی باید داشته باشند و بدست نمایندگان منتخب از طرف ملت اداره شود، چگونه قابل جمع است؟! البته بیوزاری و مفسرین سیاسی آن در برابر همین یگ سوال بیسار ساده و البته آنی جاره ای جز مضغه و طفره رفتن و پناهنجی جیم کردنی و رانستوان مقضیات تا کنجین روز جازن بد اند، چسه برای پاسخ صریح بدین سوال باید از رفتار سازشگانه رانه و مناسبات جویانه خود در مقابل اردو ستی حاکم، ازشن خود ازفران نهضت تود ای خلق که از همس گسندنی شیرازه های ملی این نظام که آنی است، از بیم خود و رفتار کج در ارتوزی و خردی در برابر امیرالیسم که در رفتار میگویند ابتدا از توقیف ارتجاع و با جای گیری در برخی محافل آن برای خود پیدا کنند، پرد بر اردی.

